



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

انعکاس عقاید

محمد بن عبدالوهاب

درمیان علمای اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انعکاس عقاید محمد بن عبدالوهاب در میان علمای اسلامی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	انعکاس عقاید محمد بن عبدالوهاب در میان علمای اسلامی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	نخستین کسی که بر رد محمد بن عبدالوهاب کتاب نوشت، برادرش بود
۱۰	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## انعکاس عقاید محمد بن عبدالوهاب در میان علمای اسلامی

## مشخصات کتاب

مؤلف: مکتب اسلام - سال ۳۹ - شماره ۴

## مقدمه

عقاید عبدالوهاب را که از مرزهای نجد فراتر رفته بود، پی‌گیری می‌کنیم و گفتیم اگر چه مسلک وهابیت در قرن دوازدهم توسط محمد بن عبدالوهاب پدیدار و منتشر گردید، ولی ریشه‌های اصلی آن به قرن چهارم به زمان بر بهاری و ابن بطه و قرن هفتم و هشتم به زمان ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم جوزیه و نظائر آنها می‌رسد. پس از پیدایش وهابیت بعضی از علما از اهالی غیر نجد نیز به آن مسلک گرویدند و آنچه این مسلک را در نظر آنها نیکو جلوه داد، این بود که این مسلک به ظاهر با بدعت‌ها که در آن زمان بیشتر رواج داشت، به مبارزه برخاسته بود. یکی از معاصران محمد بن عبدالوهاب، «محمد بن اسماعیل صنعانی» (۱۱۸۲ - ۱۰۹۹) امیر و مجتهد یمن بود، همین که از جریان قیام مذهبی نجدی‌ها آگاهی یافت از این ماجرا بسیار خوشحال شد و قصیده‌ای سرود که مطلع آن این است: سلام علی نجد و من حل فی نجد++ و ان کان تسلیمی علی البعد لا یجدی «سلام من بر نجد و ساکنانش باد، اگر چه این سلام من از دور بر من فائده ندارد». و در دنباله‌ی آن می‌گوید: اعداوا بها معنی سواع و مثله++ یغوث و ودا لیس ذلک من ودی [ صفحه ۶۱ ] و قد هتفوا عند الشدائد باسمها++ کما یهتف المضطر بالصمد الفرد و کم نحرُوا فی سوحها من غیره++ اهلت لغير الله جهلا- علی عمد و کم طائف حول القبور مقبلا++ و یلتمس الأركان منهن بالأیدی [۱]. «آنان خاطره بت‌های سواع و ود را زنده کردند که ما را هیچ خوش آیند نیست. در شدايد و مشکلات به آنها توسل می‌جویند، چنانکه انسان به خدای یگانه و بی‌نیاز پناه می‌برد، چه بسا در اماکن عمومی شتر ذبح می‌کنند و ندانسته یا دانسته نام غیر خدا را می‌آورند و چه بسا مردمی که اطراف قبرها را طواف می‌کنند و با دستهای خود ارکان آنها را لمس می‌نمایند». و در همین موقع رساله‌ای به نام «تطهير الاعتقاد عن ادران الالحاد» تألیف کرده بود ولی آنگاه که از حقیقت قضیه اطلاع پیدا کرد و دید که جریان امر خالی از غرض ورزی و توطئه چینی نیست، از کار خود به شدت پشیمان شد، اشعار دیگری ساخت که مطلع آن چنین است: رجعت عن القول الذی قلت فی نجد++ فقد صح لی عنه خلاف الذی عندی «من از آنچه درباره‌ی نجد گفته بودم، برگشتم، چون خلاف آنچه پیش من بود، ثابت شد». مرحوم علامه‌ی امین می‌نویسد: از همین محمد بن اسماعیل نقل شده که وی در شرح قصیده‌ی یاد شده که به نام «محو الحوبه فی شرح ابیات التوبه» معروف است، گفته است: هنگامی که قصیده‌ی اول من به نجد رسید، چند سال بعد مرد عالمی به نام شیخ مرید بن احمد تیمیمی در ماه صفر سال ۱۱۷۰ پیش من آمد و او بعضی از کتابهای ابن تیمیه و ابن قیم را به خط خود فراهم آورده بود و سپس در ماه شوال همان سال به وطن خود بازگشت، او از شاگردان محمد بن عبدالوهاب بود که ما قصیده‌ی خود را به وی فرستاده بودیم. و پیش از او شیخ فاضل به نام عبدالرحمن نجدی نزد ما آمده بود و او از پسر عبدالوهاب مطالبی نقل کرده بود که برای ما بسیار عجیب و دردآور بود از قبیل قتل و غارت مسلمانان و آدم‌کشی و لو با خدعه و نیرنگ و به طور کلی تکفیر ملت مسلمان در تمام نقاط جهان از جمله فتاوی‌ای منقول از محمد بن عبدالوهاب بود. ما در سخنان عبدالرحمن و در آنچه که وی از پسر عبدالوهاب نقل می‌کرد، در تردید بودیم تا آن که شیخ مرید مزبور دوباره پیش ما آمد، او مردی شریف و زیرکی بود و برخی از رساله‌های محمد بن عبدالوهاب را با خود همراه داشت که در آنها حکم کفر اهل ایمان و تجویز قتل و غارت مسلمانان نوشته شده بود، ما درباره‌ی نویسنده‌ی این رساله دقت کردیم و دیدیم که او [ صفحه ۶۲ ] مردی است که از شریعت اسلام اطلاع کمی دارد و آن هم سطحی است نه عمیق. و نزد استادی درس نخوانده که بتواند او را ارشاد و هدایت کرده به دانشهای مفید و سودمند راهنمایش شود و در

احکام و مسائل دین فقیه و دانا نماید. او را شخصی یافتیم که برخی از کتابهای ابن تیمیه و ابن قیم را خوانده و بدون فکر و تأمل از آنها تقلید کرده است. در صورتی که خود آنها تقلید را جایز نمی‌دانند. مرحوم امین پس از نقل این داستان می‌نویسد: از سخنان محمد بن اسماعیل صنعانی استفاده می‌شود که او از مسلک وهابیت برگشته است و شاید تاریخ بازگشت او پس از نوشتن رساله‌ی «تطهیر الاعتقاد» می‌باشد زیرا خود این کتاب در گزافه گوئی و مغالطه دست کمی از کتابهای محمد بن عبدالوهاب ندارد. پس از پیدایش وهابیت برخی از کسانی که منتسب به علم هستند، از اهالی غیر نجد، به این مسلک گرایش پیدا کردند و آنچه این مسلک را در نظر برخی از برادران اهل سنت نیکو و زیبا جلوه داده، این است که این مسلک به ظاهر با بدعتها که در آن زمان در جوامع اسلامی بیشتر رواج داشته، به مخالفت و مبارزه برخاسته است ولی افراط و زیاده‌روی غالباً آفتی است که بیش از آن که اصلاح کند، افساد می‌کند [۲].

### نخستین کسی که بر رد محمد بن عبدالوهاب کتاب نوشت، برادرش بود

همین که محمد بن عبدالوهاب عقاید خود را آشکار ساخت و مردم را به پذیرفتن آنها فراخواند، عده‌ی زیادی از علمای بزرگ اسلام با عقاید او به مخالفت پرداختند. نخستین کسی که به شدت با او به مخالفت برخاست، پدرش عبدالوهاب و سپس برادرش شیخ سلیمان بن عبدالوهاب بودند که هر دو از علمای حنبلی بودند. شیخ سلیمان نخستین کسی بود که در رد عقاید برادرش کتابی تحت عنوان «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» را تألیف نمود. او که از ترس جان خود از «درعیه» به مدینه فرار کرده بود، همین کتاب را نوشت و برای شیخ محمد فرستاد. از مقدمه‌ی این رساله معلوم می‌شود که میان آن دو مکاتبه و پیامهای شفاهی در جریان بوده و شیخ سلیمان این رساله را در پاسخ نامه‌های او نوشته و فرستاده است وی در این رساله [صفحه ۶۳] نوشته: آنچه از گفتار اهل علم آموخته‌ام برای تو می‌نویسم خواه تو قبول بکنی یا نکنی؟ اگر قبول بکنی چه بهتر و خدا را شکر و اگر قبول نکنی باز خدا را شکر که من به وظیفه‌ام عمل کرده‌ام. در آغاز رساله، خطاب به او می‌گوید: بدان خداوند تبارک و تعالی حضرت محمد را با قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا آن را بر همه‌ی ادیان غالب گرداند و بر او قرآن را نازل فرمود تا حقیقت هر چیز را روشن نماید و خداوند وعده‌ی خویش را عملی ساخت و دینش را بر تمام ادیان غالب گردانید. بعد با استناد به آیات و روایات ثابت می‌کند که امت پیامبر، بهترین امتهای هستند و این امر امت تا قیام قیامت ثابت و مستقیم می‌باشد و پیروی اثر این امت را بر هر فردی واجب گردانیده، آنجا که فرموده: (... و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى و نصله جهنم و ساءت مصیرا) [۳] «هرکس از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند ما او را به همان راه که می‌رود، می‌بریم و به دوزخ داخل می‌کنیم و جایگاه بدی دارد». بدین ترتیب اجماع امت را حجت قاطع قرار داده که بر احدی جایز نیست از آن خارج شود. سپس به جهالت و نادانی محمد بن عبدالوهاب اشاره کرده می‌نویسد: «به موجب آنچه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله رسیده، آدم جاهل نباید استبداد رأی داشته باشد، بلکه بر او واجب است آنچه نمی‌داند از اهل علم سؤال کند، چنانکه خدای تعالی فرموده: (فاسئلوا أهل الذکر ان کتتم لا تعلمون) «اگر نمی‌دانید از اهل علم بی‌رسید» و در روایتی پیامبر فرمود: «هل لا- اذا لم یعلموا سئلوا فانما دواء العین السؤال» «چرا سؤال نمی‌کنید وقتی که نمی‌دانید زیرا داروی ناتوانین و نادانی سؤال است» بالاخره وظیفه‌ی جاهل و نادان سؤال کردن است و این اجماعی است. ابوبکر هروی گفته: تمام علما اجماع دارند بر این که جایز نیست کسی ادعای امامت و پیشوائی بکند مگر این که جامع این اوصاف باشد، سپس شیخ سلیمان اوصافی را که برای امام و پیشوا لازم است، از زبان هروی نقل کرده، و سخن وی را چنین ادامه داده است: اگر این اوصاف در کسی جمع شد، در این صورت جایز است آن شخص امام و پیشوا باشد و بر دیگران نیز جایز است از او تقلید نمایند و اگر کسی جامع این اوصاف نباشد، یا فاقد [صفحه ۶۴] یکی از آنها باشد، ناقص است و نمی‌تواند امام و پیشوا باشد و مردم از او تقلید نمایند وقتی که این شرائط برای صحت اجتهاد و امامت ثابت باشد، باید کسی که واجد این اوصاف نیست، از

کسی که جامع این اوصاف است، تقلید نماید. به طور کلی مردم از لحاظ دین دو قسم هستند: مجتهد یا مقلد. سپس در تأیید این سخن، به کلام «ابن قیم» استناد کرده و گفته است: ابن قیم در کتاب «اعلام الموقوعین» نوشته است: «مادامی که شرایط اجتهاد از جمیع علوم در کسی جمع نباشد، جایز نیست از قرآن و سنت حکم اخذ کند. احمد بن المنادی گفت: مردی از احمد بن حنبل پرسید اگر کسی صد هزار حدیث حفظ کند آیا او فقیه می‌شود؟ گفت: نه. اگر دویست هزار حدیث چطور؟ گفت: نه. گفت: سیصد هزار چطور؟ گفت: نه. گفت: چهارصد هزار چطور؟ گفت: آری ابوالحسن می‌گوید از جدم سؤال کردم احمد چقدر حدیث حفظ داشت، گفت: ششصد هزار. شیخ سلیمان بن عبدالوهاب پس از ذکر این مقدمه، می‌گوید: من این مقدمه را برای این ذکر کردم تا قاعده‌ای باشد در آنچه بعداً ذکر می‌کنیم. بالاخره شیخ سلیمان پس از آن که در این مقدمه به شرایط سخت و سنگین اجتهاد اشاره می‌کند و ثابت می‌نماید که ادعای اجتهاد کار آسانی نیست و کار هرکس نمی‌باشد و او که بیش از هرکس از معلومات برادرش آگاه است، به او می‌فهماند که معلوماتش در آن حد نیست که ادعای اجتهاد نماید و مثل یک مجتهد مسلم فتوا بدهد سپس برادرش را به جهالت و گمراهی متصف ساخته می‌نویسد: «فان اليوم ابتلی الناس بمن یتسب الی الکتاب و السنه و یتسبطن من علومهما و لا یبالی من خالفه و اذا طلبت منه ان یرض کلامه علی اهل العلم لم یفعل بل یوجب علی الناس الاخذ بقوله و من خالفه فهو عنده کافر هذا و هو لم یکن فیه خصلة واحدة من خصال اهل الاجتهاد و لا والله عشر واحدة و مع هذا خراج کلامه علی کثیر من الجهال فانا لله و انا الیه راجعون» [۴]. «امروز مردم گرفتار کسی (برادرش محمد بن عبدالوهاب) شده‌اند که خود را در علوم قرآن و حدیث وارد می‌داند و از مخالفان خود هیچ باکی ندارد و اگر از او خواسته شود سخن خود را به اهل علم عرضه کند، هرگز این کار را نمی‌کند، بلکه مردم را ملزم می‌سازد که قول وی را بپذیرند و هرکس با او [صفحه ۶۵] مخالفت کند، پیش وی کافر شمرده می‌شود. این شخص در حالی که حتی یکی از شرایط و اوصاف اهل اجتهاد در او نیست نه به خدا قسم حتی یک دهم آن شرایط در او نیست با وجود این سخنان، او برای بسیاری از مردم جاهل پسندیده آمده است اینجاست که باید گفت: «انا لله و انا الیه راجعون». و با این که تمام ملت مسلمان یکصدا بر ضد او هم آواز شده‌اند، به صدای آنها توجه نمی‌شود و همه را کافر و نادان می‌کنند. خدایا این مرد گمراه را هدایت کن و به راه راست برگردان». کتاب پر مغز و پر مطلب «الصواعق الالهیه» شیخ سلیمان بن عبدالوهاب در رد عقاید محمد بن عبدالوهاب و مسلک وهابیت از بهترین و محکمترین کتابهاست و اینک چند قسمت دیگر از این کتاب را در اینجا می‌آوریم: ۱- «فان اهل العلم ذکرُوا فی کل مذهب من مذاهب الأقوال و الأفعال التي یکون بها المسلم مرتدا و لم یقولوا من نذر لغير الله فهو مرتد...». «علمای هر مذهب، اقوال و افعال را که موجب مرتد شدن مسلمان می‌شود، ذکر کرده‌اند ولی نگفته‌اند که هرکس برای غیر خدا نذری بکند، یا از غیر خدا حاجت بخواهد، مرتد می‌شود و همچنین هیچ کدام به مرتد بودن کسی که برای غیر خدا ذبح کند، یا قبری را لمس نماید و از خاک آن بردارد، حکم نکرده است آن چنان که شما می‌گوئید اگر در این باره حرفی دارید، بگویید. زیرا کتمان علم جایز نیست، لیکن شما به گمان خود عمل کرده و از اجماع مسلمانان جدا شده‌اید و با این سخن خود که هرکس این اعمال را (نذر، ذبح و لمس قبر و...) انجام دهد کافر است، و هر که مرتکب آن اعمال را کافر نداند، او هم کافر است، بدین ترتیب همه‌ی امت محمد صلی الله علیه و اله را کافر دانسته‌اید. در حالی که همه‌ی مردم می‌دانند که بیشتر از هفتصد سال است که این اعمال (نذر، ذبح و زیارت و...) همه مناطق اسلام را پر کرده و اهل علم اگر چه خود، این کارها را انجام ندهند، مرتکب آنها را تکفیر نکرده و احکام مرتد بر آنان جاری نساخته‌اند، بلکه احکام مسلمین را بر آنها جاری نموده‌اند. به خلاف گفته‌ی شما که شهرهای مسلمین را بلاد کفر مرتدین می‌نامید، حتی حرمین شریفین را دارالکفر قرار داده‌اید، در حالی که در احادیث صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله تصریح شده است که این دو شهر همواره دو شهر اسلامی هستند و بت در آن دو شهر پرستیده نمی‌شود و حتی دجال که در آخرالزمان همه‌ی شهرها را زیر پا می‌گذارد، ولی داخل مکه و مدینه نمی‌شود. ولی همه‌ی این شهرها در نظر شما بلاد حرب است و اهل آنها کافرنند زیرا به قول شما بت‌ها را پرستیده‌اند و



به عقیده‌ی شما همه‌ی آنها مشرک و از ملت اسلام خارج هستند. فانا لله و انا الیه راجعون» [۵]. [صفحه ۶۶] ۲- «ان هذه الامور حدثت من قبل زمن الامام احمد في زمان ائمة الاسلام و أنكرها من أنكرها منهم و لا زلت حتى ملأت بلاد الاسلام كلها و فعلت هذه الأفاعيل كلها التي تكفرون بها و لم يرو عن احد من ائمة المسلمين انهم كفروا بذلك...». «این امور (اموری که وهابیهها موجب شرک و کفر می‌دانند) قبل از احمد بن حنبل و در زمان ائمه‌ی اسلام، به وجود آمده بود. جمعی هم آنها را انکار کردند ولی از هیچکدام از ائمه‌ی اسلام شنیده و روایت نشده است که مرتکبین این اعمال را کافر یا مرتد دانسته و دستور با آنان را داده باشند، یا این که شهرهای مسلمانان را همانگونه که شما می‌گویید، بلاد شرک یا دارالکفر نامیده باشند، و نیز در این مدت هشتصد سال که از زمان ائمه می‌گذرد، از هیچ عالمی روایت نشده است که این امور را کفر دانسته باشد، بلکه هیچ عاقلی چنین گمان نمی‌کند. به خدا قسم لازمه‌ی گفتار شما این است که تمام امت اسلامی و علما و امرای آنها بعد از زمان احمد بن حنبل تاکنون کافر و مرتد می‌باشند. انا لله و انا الیه راجعون». شیخ سلیمان در اینجا با حالت تأثر و اندوه می‌گوید: «واغوثاه الی الله واغوثاه» از این سخن شما که می‌گویید: قبل از شما، هیچ کس دین اسلام را نشناخته است [۶]. ۳- «و معلوم عند الخاص و العام لمن له معرفة بالاخبار ان هذه الامور التي تكفرون بها ملأت بلاد المسلمين من أكثر من سبع مائة عام...». «بر خواص و عوام و هر کس که با اخبار آشنائی دارد، معلوم است این اموری که شما به سبب آنها، مردم بلاد مسلمین را متجاوز از هفتصد سال قبل تا به امروز (زمان تألیف کتاب الصواعق) کافر می‌پندارید، اگر آن امور بدانگونه که شما می‌پندارید بت پرستی بزرگ باشد. پس اهل آن شهرها کافرند و آن طوری که شما می‌گویید هر که آنها را کافر نداند، خود او کافر است در حالی که واضح است که علما و امرا آنان را کافر ندانسته‌اند و احکام مرتد را بر آنان جاری نساخته‌اند». با اینکه همه‌ی این امور در غالب بلاد اسلام به طور آشکار جریان دارد و عده‌ی زیادی از این راهها امرار معاش می‌کنند و از تمام شهر به اماکن مقدسه سفر می‌کنند. با وجود این شما به ما بگوئید که آیا حتی یک نفر از اهل علم یا اهل شمشیر را می‌توانید به ما نشان بدهید که مانند گفته‌های شما سخنی بر زبان آورده باشند. همه‌ی علما حکم اسلام را بر آنان جاری ساخته‌اند پس اگر مرتکبین این اعمال، به زعم شما، کافر و بت پرست باشند و علما و امرا بر آنها حکم اسلام کرده باشند، لازمه‌ی این عمل شما کفر تمام علما و امراست زیرا هر کس اهل شرک را کافر نداند [صفحه ۶۷] خود او کافر خواهد بود و در این صورت از امت حضرت محمد صلی الله علیه و اله محسوب نمی‌شود و این با حدیث نبوی منافات دارد [۷].

۴- شیخ سلیمان که اساس کتاب خود را بر رد سخن برادرش مبنی بر تکفیر عموم مسلمانان (غیر از اتباع خود) قرار داده، در پایان ۵۲ حدیث از صحاح سته و سایر کتب معتبر اهل تسنن در رد وی نقل کرده است و به موجب همین روایات ملاک مسلمان بودن، بر زبان جاری ساختن شهادتین و انجام ضروریات دین می‌باشد [۸]. شیخ سلیمان ظاهراً کتاب دیگری هم موسوم به «فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبدالوهاب» در رد عقاید برادرش نوشته است که فعلاً از آن خبری نیست. «عباس محمود عقاد» نویسنده‌ی نامی مصر می‌نویسد: «بزرگترین مخالفان شیخ محمد، برادرش شیخ سلیمان صاحب کتاب «الصواعق الالهیه» است. عقاد همچنین گفته است که شیخ سلیمان برادر شیخ محمد که از بزرگترین مخالفان او بود، در ضمن این که سخنان برادرش را به شدت رد می‌کند، می‌گوید: اموری که وهابیان آن را موجب شرک و کفر می‌دانند، و آن را بهانه‌ی مباح شدن مال و جان مسلمانان می‌پندارند، در زمان ائمه‌ی اسلام به وجود آمده بود، ولی هیچ یک از ائمه‌ی اسلام شنیده و روایت نشده است که مرتکبین این اعمال را کافر یا مرتد دانسته و دستور جهاد با آنان را داده باشند و یا این که بلاد مسلمانان را به همانگونه که شما می‌گویید، بلاد شرک و دارالکفر نامیده باشند [۹]. خلاصه وقتی محمد بن عبدالوهاب عقاید خود را آشکار ساخت و مسلک وهابیت را بنیاد نهاد، علمای معاصر وی از این مسلک احساس خطر کردند و در رد او کتابها و رساله‌ها نوشتند و گفتیم اولین کتاب را در رد او برادرش شیخ سلیمان نوشت. البته پدرش شیخ عبدالوهاب نیز از مخالفان سرسخت فرزند خود محمد بود و او را بر انحرافش از آئین اسلام سخت نکوهش می‌کرد ولی ظاهراً او کتابی در این زمینه نوشته است.

## پاورقی

- [۱] تطهیر الاعتقاد، به نقل کشف الارتباب، ص ۱۵.
- [۲] بنا به نقل کشف الارتباب، ص ۱۶، ۱۵ و ترجمه‌ی فارسی، ص ۹ و ۱۰.
- [۳] سوره نساء: آیه ۱۱۵.
- [۴] الصواعق الالهیه، ص ۴.
- [۵] همان کتاب، ص ۷.
- [۶] همان کتاب، ص ۳۸.
- [۷] منظور حدیثی است در صحیح مسلم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله روایت شده است که: «ان الله زوی لی الأرض فرأیت مشارقها و مغاربها و ان امتی لیلغ ملکها ما زوی لی منها...».
- [۸] الصواعق از ص ۵۵ تا ۶۳.
- [۹] الاسلام فی القرن العشرين: ص ۱۳۶ - ۷.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

